

## به مناسبت میلاد با سعادت حضرت زینب کبری سلام الله علیها

نگاهی به شخصیت و زندگی حضرت زینب کبری ( سلام الله علیها )

الگوی از تعالی معنوی و کمالات نفسانی

بحث و بررسی در زندگی الگوهای کامل و شایسته - به ویژه بانوان پاک دامن آسمانی که از خاندان اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) سر برآورده اند - برای هر انسان شیفته حق و عدالت و تعالی، مفید و درس آموز هست. یکی از بانوان نمونه حضرت زینب (سلام الله علیها)، دختر مولی المودین، حضرت امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) می باشد که مطالعه و مرور مراحل مختلف زندگی آن بزرگوار از ولادت تا رحلت، برای همه مردم به ویژه بانوان و دختران مسلمان و غیر مسلمان، آموزنده و عبرت آموز می باشد. آن حضرت، الگوی از تعالی معنوی و کمالات نفسانی در جنبه های علمی، اخلاقی، تربیتی بودند که نتیجه ی آن در علم و تقوی و معاشرت و بردباری و صبر و حماسه و محبت و عشق و دل دادگی و احساس مسئولیت بروز کرده بود. در این نوشتار کوتاه، مروری به برخی از مراحل زندگی، سیره و رفتار آن عقیله بنی هاشم و اسوه صبر و مقاومت خواهیم انداخت تا چه در نظر آید و چه مقبول افتد.

حضرت زینب(سلام الله علیها) بنا به قول مشهور در پنجم جمادی الاُولی سال ششم هجری در مدینه منوره متولد شد. پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) نامش را زینب(به معنای درخت خوش بوی نیکو منظره ای که از بوی خوش آن افراد سر مست می شوند) گذاشت. کنیه اش امّ عبدالمطلب، امّ کلثوم، امّ العزائم، امّ هاشم، امّ المصائب، و لقبش را عالمة، عقيله ی بنی هاشم، صدیقه ی کبری، نائبة الزهراء و بطلة کربلا گفته اند.

#### در سوگ جدّ بزرگوار و مادر عزیزش

حضرت زینب(سلام الله علیها) پنج سال داشت که رسول اکرم(صلی الله علیه و آله) به ملکوت اعلی پیوست. او شاهد غم و اندوه مادرش، حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها) بود که در فراغ پدر ارجمندش، گریه می کرد و می سوخت. زمانی نگذشت که مادر عزیزش، دردانه ی عصمت و طهارت، کوثر نبوی(صلی الله علیه و آله) در اثر سختی ها و فشارهای روحی و جسمانی مانند هجوم به خانه ی امام علی(علیه السلام) و شکستن حرمت اهل بیت(علیهم السلام)، غصب فدک و از دست دادن حقوقش، بی حرمتی به عصمت نبوی(صلی الله علیه و آله)، در بستر بیماری افتاد و پس از 75 روز (به روایتی) و 95 روز (به روایتی دیگر) به شهادت رسید.

#### ازدواج و مسئولیت پذیری

حضرت زینب(سلام الله علیها) در سن 13 سالگی پس از خواستگاری عبدالمطلب بن جعفر بن ابی طالب، به ازدواج او در آمد. و صاحب 4 فرزند، به نام های جعفر، عون، محمد و امّ کلثوم شد. و بعضی فرزندی به نام عباس را به او نسبت داده اند. مورخان نوشته اند: محمد و عون در سن 10 و 8 سالگی در کربلا در رکاب دایی عزیزشان حضرت سید الشهداء(ع) به فیض شهادت رسیدند.

#### فضایل و کمالات انسانی

از حضرت امام سجاد(علیه السلام) نقل شده که خطاب به ایشان فرمود: «أنتِ بحمدالله عالمة غیرمعلّمة فهیمه» یعنی؛ ای عمه جان، شما دانشمندی هستی که از کسی نیاموخته ای و دانا و فهمیده ای هستی که از کسی یاد نگرفته ای!. به راستی چنین است، خانمی که از پدری همانند امام علی(بن ابی طالب)علیه

السلام) وارث علم پیامبر(صلی الله علیه و آله)، و مادری همانند فاطمه ی زهرا(سلام الله علیها)، کوثر پیامبر(صلی الله علیه و آله)، متولد شده باشد و در دامان آن بزرگواران رشد و نمو یافته، باید چنین باشد. خصوصیت و ویژگی مرتبطين با اهل بیت(علیهم السلام) چنین هستند. حضرت زینب(سلام الله علیها) در مسجد کوفه، مجلس درس تفسیر قرآن و احکام برقرار کرده بود و گاهی مردان نیز در جلسات ایشان شرکت می کردند. گفته می شود، عبدالله بن عباس هم از آن کسان بوده است. چنان که او نقل می کند: «بانوی خردمند ما حضرت زینب بنت علی(علیه السلام) چنین روایت می کند». امام حسین(علیه السلام) به خواهرش دستور داد تا احکام دینی را از طرف امام سجاد(علیه السلام) برای بستگانش تبیین کند، او از طرف حضرت زین العابدین(علیه السلام) نیابت خاصه داشت تا احکام دینی و شرعی را برای مردم بیان کند و خانه ی آن علویه ی مکرّمه، همواره محل رفت و آمد و مراجعه مردم بود.

### شجاعت و جهاد و مبارزه با دشمنان

آن حضرت، در حادثه روز عاشورا به عنوان یار و یاور برادرش بزرگوارش، حضرت سید الشهداء(علیه السلام) شرکت داشت و در آن مبارزه خونین، نقش تاریخی خود را با صبر و بردباری و پرستاری از زخمی ها و مجروحین و... ادامه داد و هرگز از دشمن اموی و منحرفین خوف و هراسی نداشت. طبق روایتی امام علی(علیه السلام) فرمود: «جهاد بر سه قسم است، با دست، با زبان و با دل». حضرت زینب کبری(سلام الله علیها) با قدرت و تسلط بی نظیر به مبانی دینی و قرآنی و قدرت و تسلط بر مردم، چنان حکیمانه سخن می گفت که دهان مردم از تعجب باز می ماند! چنان که در مجلس یزید با ابّتهت و شکوهی ویژه سخن گفت که نه یزید امکان قطع سخن او را یافت و نه کسی از حاضران جرأت مخالفت پیدا کرد!

### استقامت در راه هدف مقدس

حضرت زینب کبری(سلام الله علیها) پس از رخداد خونین کربلای حسینی، با شجاعت بی نظیر و استقامت همانند کوه خود، در کنار برادرزاده ارجمندش حضرت سید الساجدین(علیه السلام) به ادای وظیفه دینی پرداخت. که به نمونه هائی از آن اشاره می شود:

### کوفه

عمر بن سعد کاروان اسراء را، به گونه ای ترتیب داده بود تا سپیده دم دوازدهم محرم الحرام به شهر کوفه برسند. کاروان خسته و غم بار از مشکلات و دشواری های روزهای قبل در حالی که سرهای مقدّس و

مطهر شهداء بر نیزه ها بود، نزد عبیداء بن زیاد برده شدند. او با چوبی که در دست داشت به لب ها و دندان های سر مبارک حضرت سید الشهداء (علیه السلام) می زد؟!... . حضرت زینب (سلام الله علیها) که کهنه ترین جامه های خود را پوشیده بود با اُبّهت و جلالی هر چه تمام تر، قدم پیش نهاد و در گوشه ای نشست! عبیداء بن زیاد (لع) سؤال کرد این زن کیست؟ پاسخی نشنید تا اینکه یکی گفت: این زینب دختر علی (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) است. عبیداء گفت: سپاس خدایی را که شما را رسوا کرد و کشت؟! حضرت زینب (سلام الله علیها) اظهار داشت: سپاس خداوندی را که نبی خاتم حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) را گرامی داشت و ما را پاک و پاکیزه نمود. تو ای عبیداء، تبه کار، رسوا و بدکاره ای؟ عبیداء گفت: بین خدا با خانواده ات چه کرد؟ حضرت فرمود: «ما رأیت الا جمیلاً...» یعنی؛ غیر از زیبایی چیزی نمی بینم. مطمئن باش که به زودی خداوند میان آنان (شهداء) و تو قضاوت خواهد کرد. مادرت به عزایت بنشیند ای پسر مرجانه!.

#### مجلس یزید در شام

اسیران را به طرف قصر یزید بن معاویه (لع) حرکت دادند، درحالی که یزید (لع) اشعار ابن زبیر را می خواند که بوی کفر و شرک و بی دینی از آن می آمد؟! این صحنه برای امام سجاد (علیه السلام) و حضرت زینب (سلام الله علیها) بسیار تلخ و دشوار بود! امام سجاد (علیه السلام) خطاب به یزید فرمود: چه می گویی در حالی که جد ما رسول الله (صلی الله علیه و آله) هست! در این مجلس وقتی یکی از شامیان از یزید خواست تا فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) را به عنوان کنیز به او بدهد، حضرت زینب (سلام الله علیها) فرمود: نه تو و نه یزید چنین حق و جرأتی ندارند. وقتی جسارت یزید را مشاهده کرد فرمودند: تو امیر و مسلط هستی. از روی ظلم و ستم دشنام می دهی و تندی می کنی و زور می گویی. در این موقع یزید ساکت شد و ادامه نداد! آری این چنین هست جرأت، هیبت و ابّهت اهل بیت (علیهم السلام) که با شجاعت و منطق، دل دشمنان می انداختند به طوری که آنان را به عقب نشینی وادار می کردند. حضرت زینب (سلام الله علیها) در ادامه سخنانش مردم را منقلب کرد و با قرائت آیات قرآن و استدلال به تفسیر و تاویل واقعی آن ها، بنیان ظلم و ستم امویان را افشا و بر حقانیت راه پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) و خاندانش شهادت داد به طوری که مردم کم کم بیدار شدند و به عمق ظلم و ستم و فساد خاندان بنی امیه پی بردند!.

#### مدینه

کاروان خسته و غم ناک اهل بیت (علیهم السلام)، پس از تحمل سختی های راه طولانی شام به مدینه، وارد

شهر شدند. نسیم بوی آشنای شهر پیامبر(صلی الله علیه و آله) به مشام کاروانیان می رسید، اما آن ها که در هنگام خروج از مدینه با حضرت امام حسین(علیه السلام) حضرت ابوالفضل العباس(علیه السلام)، حضرت علی اکبر(علیه السلام) و... بودند، اینک آن ها به ملکوت اعلی پیوسته اند و اسراء تنها شده اند! . فقدان آن ها بر اعضای کاروان سنگینی می کرد ولی چاره ای نبود و تسلیم قضا و قدر الهی بودند. آن ها خوش حال از این که مأموریت محوله را به خوبی انجام داده اند. کاروان اسراء با حزن و اندوه و گریه و اشک مردم مدینه به زیارت قبر مطهر پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) رفتند و حضرت زینب(سلام الله علیها) با چشمانی گریان، خطاب به رسول خدا(صلی الله علیه و آله) عرض کرد: «یا جدّاه، انّی ناعیة الیک ولَدَکَ الحسین[علیه السلام]» یعنی، ای جدّ بزرگوار و عزیزم، با حزن و اندوه خبر کشته شدن فرزندت حسین(علیه السلام) را آورده ام. گروهی برای تسلیت به خانه عبداّ بن جعفر رفتند و عبداّ گفت: «خدا را شکر که بچه هایم فدای حسین(علیه السلام) شدند و جانشان را برای او دادند». سپس حضرت زینب (سلام الله علیها) به دیدار امّ البنین[مادر حضرت عباس(علیه السلام)] رفت و او را دل داری داد. بنی هاشم با حالت عزاداری بر شهدای کربلا در بقیع اجتماع کردند و نوحه های جان گداز سر دادند و بعضی از اعضای کاروان کربلا، به نوحه سرایی و بیان حوادث، سختی ها و شجاعت و چگونگی جان فشانی شهداء و مقاومت اسراء پرداختند. خانواده پیامبر(صلی الله علیه و آله) عزا دار و سیاه پوش شدند و دیگر شادی نکردند! . حضرت زینب(سلام الله علیها) در کنار امام سجّاد(علیه السلام) چگونگی حوادث واقعه کربلا را برای مردم بازگو می کردند و اظهار می داشتند آن ها همه ی این مصائب را به خاطر خدا تحمل کردند و مانند کوه استوار، لحظه ای از خدا غافل نبودند. در نتیجه حضرت امام زین العابدین(علیه السلام) و حضرت زینب(سلام الله علیها) و سائر اسراء، پاسدار حقیقی و واقعی ثار الله(خون خدا) شدند و نگذاشتند نهضت و حماسه جان گداز و خونین کربلا فراموش شود. حادثه ای که موجب حفظ و بقای اسلام از انحرافات و کجی ها شد و بنیان و اساس حاکمان فاسق و بی دین و بنی امیه را نابود کرد.

حجت الاسلام والمسلمین عباس جعفری فراهانی